

افسانه تاریخی هولوکاست

HOLOCAUST

منصور حاتمی راد
کارشناس ارشد روابط بین الملل

چکیده

هر حادثه تاریخی می تواند به عنوان یک موضوع تحقیق به بحث گذاشته شود؛ اما گروه‌های فشار و ذی نفع، داستان هولوکاست را یک استثنا کرده‌اند. انسان این افسانه تاریخی را به یک امر مقدس و غیرقابل بررسی تبدیل نموده، علی‌رغم وجود شواهد تاریخی مبنی بر کذب آن، خواهان اعتقاد بی‌چون و چرا به آن هستند!

برخلاف تاریخ نگاران حاکم بر جهان، محققان تجدید نظر طلب تاریخی با بررسی جوانب مختلف هولوکاست نشان داده‌اند که داستان کشتار شش میلیون یهودی به دست آلمانی‌های نازی در اتاقهای گاز، افسانه و دروغی بیش نیست که هدفش برانگیختن احساسات همدردی و حمایت مادی و معنوی جهانیان به نفع یهود، خصوصاً برای تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین بوده است.

مقاله حاضر بیان‌کننده نتایج برخی از این بررسی‌ها است.
کلید واژه‌ها: هولوکاست، افسانه، یهود، صهیونیست، پژوهش.

مقدمه

هولوکاست (Holocaust) مشتق از دو کلمه یونانی "Holos" به معنی تمام و "Kaustos" به مفهوم سوزاندن است. در مجموع یعنی سوزاندن چیزی با آتش، به گونه‌ای که به طور کامل از میان برود.

در کتاب فرهنگ یهود نیز هولوکاست به معنای «سوزاندن با آتش که به طور کامل از میان برود»، تعریف شده است.

دایرة المعارف یهود «جودائیکا» ذیل واژه هولوکاست و در تعریف اصطلاحی آن می‌نویسد: «تا پایان سال ۱۹۴۵ م بیش از شش میلیون یهودی (زن، مرد و کودک) را قتل عام کردند، یعنی بیش از دو سوم جمعیت یهودیان در اروپا».^۱

مارتین گیلبرگ، مورخ یهودی انگلیسی تبار در کتاب خود با عنوان «هولوکاست» این واژه را چنین تعریف می‌کند: «کشتار سازمان یافته، شش میلیون یهودی».

امروزه منظور از اصطلاح هولوکاست قربانی یا قربانی بزرگ و نیز واقعه‌ای است که طی آن در فاصله سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ م، قریب به شش میلیون یهودی از سراسر اروپا جمع آوری و به اردوگاههای مرگ در آلمان و لهستان مانند اردوگاه «آشویتس» که (Auschwitz) و در کوره‌های آدم‌سوزی سوزانده شدند.^۲

برخی از زبان‌شناسان، سابقه هولوکاست را به جنایات یهودیان برمی‌گردانند که در فاصله زمانی بعد از ظهور حضرت مسیح (ع) و قبل از بعثت پیامبر اسلام (ص) در یمن باستان اتفاق افتاده است. مردم یمن آن روزگار سالها بود که به مسیحیت گرویده بودند. اما «ذونواس»، پادشاه یمن که از مسیحیت به دین یهود درآمده بود، اعلام می‌کند که اسرای مسیحی تنها دو راه در پیش رو دارند: یا از مسیحیت اعلام انزجار کرده، به دین یهود درآیند و یا در آتش زنده زنده سوزانیده شوند! اما اسرای مسیحی که از پیروان پاکبخته حضرت مسیح (ع) بودند، دست از ایمان و اعتقاد خویش برنداشتند و از دین خود اعلام انزجار نکردند. از این روزنده در آتش سوزان گودالهای پیش روی پادشاه انداخته و سوزانده شدند! ماجرای این واقعه در سوره مبارکه «بروج» مورد اشاره قرار گرفته و کلام الهی از آن به عنوان «اصحاب اخدود» یاد کرده است.^۳

چند سال بعد از جنگ جهانی دوم، هولوکاست در فرهنگ سیاسی مفهوم و معنای ویژه‌ای یافت و تقریباً به یک اسم خاص تبدیل شد. حقوقدان لهستانی به نام «رافائل لمکین» واژه «نسل‌کشی» را به کار برد. به دنبال آن واژه «یهودی‌کشی» از سوی «آرنومه یر»، پیشنهاد شد.^۴ این واژه امروزه برای یک شهروند غربی، سوزاندن شش میلیون یهودی را در اتاقهای گاز یا کوره‌های آدم‌سوزی نازی‌ها در طی جنگ جهانی دوم، تداعی می‌کند.

در این نوشتار به بررسی میزان صحت این موضوع می‌پردازیم.

۱. پیشینه

موضوع هولوکاست یا کشتار یهودیان به دست رژیم نازی، اولین بار در سال ۱۹۴۲م در برخی محافل صهیونیستی امریکا مطرح شد، البته در طی جنگ کسی بدان اعتنا نکرد؛ اما در اواخر جنگ وقتی متفقین صحنه‌های دلخراش بعضی از اردوگاه‌ها و اجساد روی هم انباشته اسیرانی را دیدند که به علت بیماری تیفوس یا گرسنگی جان داده بودند، زمزمه‌های هولوکاست و به خصوص «اتاق‌های گاز» مجدداً از سر گرفته شد؛ و سازمان‌های صهیونیستی به شدت درگیر ایجاد و اشاعه داستان‌های هولوکاست شدند.

صدها کتاب به رشته تحریر درآمد و صدها فیلم و سریال ساخته شد و به زبانهای مختلف ترجمه و در ممالک مختلف دنیا، به ویژه جهان غرب به نمایش درآمد و به عنوان یک رویداد تاریخی و واقعیت غیر قابل انکار، به افکار عمومی القاء شد؛ در محافل دانشگاهی و دیگر مراکز آموزشی در جهان نیز به صورت یک رخداد تاریخی غیر قابل تشکیک، جزو دروس آموزش قرار گرفت.^۵

صهیونیستها با اقدامی حساب شده و تبلیغات عجیب و غریب، ذهنیتی را از داخل اردوگاههای نازی‌ها برای مردم در خصوص نحوه کشتار یهودیان در اتاقهای گاز به تصویر کشیدند. آنان این نکته را به جهانیان القاء کردند که قریب به شش میلیون یهودی از سراسر اروپا جمع آوری و به اردوگاههای مرگ در آلمان و لهستان اعزام و توسط نازی‌ها قتل عام شده‌اند! این ادعا و اسطوره سازی صهیونیسم چنان به افکار عمومی جهان القاء شد که حتی امروزه در برخی کشورها و محافل، هر جنایتی با آن مقایسه می‌شود.

نکته قابل توجه در این قضیه آن است که هولوکاست نزد یهودیان و اروپاییان از تقدسی ویژه برخوردار است، به گونه‌ای که این مسئله را واقعیت حتمی و غیر قابل انکار می‌دانند و هیچ گونه شکی را در رابطه با آن بر نمی‌تابند؛ لذا هیچ گونه تحقیق و تفحص در این رابطه را هم که به نوعی منجر به ایجاد شک و شبهه شود نمی‌پذیرند و با آن برخورد جدی می‌کنند.

در ژوئیه ۱۹۹۰ میلادی، شماری از اعضای آژانس بین‌المللی صهیونیستها به سرپرستی ساموئل سپرات خاخام مشهور فرانسه، به منظور «پیشگیری از فراموش شدن مظلومیت قوم یهود»، قانونی را در فرانسه به تصویب رساندند که بر اساس آن هرگونه تردید درباره هولوکاست، اعم از کشتار شش میلیون یهودی و یا تردید پیرامون اتاق‌های گاز، جرم تلقی می‌شود؛ و هرکس از این قانون تخلف یا تردید نماید به یک ماه تا یک سال زندان و پرداخت ۲ تا

۳۰۰ هزار فرانک جریمه محکوم می‌شود.^۶ این قضیه تنها به فرانسه محدود نمی‌شود، بعدها با فشار امریکا، اسرائیل، انگلیس و فرانسه، این قانون در سایر کشورهای اروپایی نیز به تصویب رسید، به طوری که امروزه تردید درباره مسئله هولوکاست و اجزای آن در سراسر اروپا، جرم تلقی می‌شود.

به همین دلیل امروزه در سراسر اروپا بسیاری از مورخان که معتقدند هولوکاست هرگز اتفاق نیفتاده و بزرگ‌ترین دروغ تاریخ است، مورد ضرب و جرح صهیونیست‌ها واقع شده یا سیستم قضایی آنان را به زندان و جرائم نقدی و محرومیت‌های اجتماعی محکوم کرده‌اند. همچنین در امریکا، شهروندانی که با افسانه‌های لابی قدرتمند یهودی صهیونیستی مخالفت نمایند، با از دست دادن شهرت و موقعیت اجتماعی و شغل خودبهای گزافی خواهند پرداخت و چه بسا به مجازات مرگ گرفتار شوند.^۷

از سوی دیگر صهیونیست جهانی به منظور تثبیت و ماندگاری داستان هولوکاست، نویسندگانی را جهت دریافت جایزه نوبل معرفی می‌کنند که ضمن داشتن ارادت صادقانه به صهیونیست‌ها، ماجرای جعلی هولوکاست و سوزانده شدن شش میلیون یهودی را در کوره‌های آدم‌سوزی هیتلر باور داشته باشند.^۸

۲. صنعت هولوکاست

نورمن فینکلشتاین (Norman Finkelstein) دانشمندی که در دانشگاه هانتر نیویورک مشغول تدریس است، در کتاب جدید خود به نام «صنعت هولوکاست» می‌نویسد: «توسل به هولوکاست دسیسه‌ای است برای غیر موجه جلوه دادن تمام انتقادات علیه یهودیان، تعصب نسبت به هولوکاست، ضمن اعطاء بی‌گناهی کامل به یهودیان اسرائیل، یهودیان امریکا را نیز در قبال انتقادات قانونی مصون می‌سازد.»

به گفته فینکلشتاین، هولوکاست بزرگ‌ترین سرقت در تاریخ بشریت است. فعالیت رسانه‌ای هولوکاست، یهودیان را به عنوان قربانیان کاملاً بی‌گناه، و غیر یهودیان را به عنوان موجوداتی غیر قابل اعتماد و غیر اخلاقی که در شرایط مناسب به سادگی می‌توانند به نازی‌های بی‌رحم تبدیل شوند، توصیف می‌کند. درس مهم داستان هولوکاست، برای یهودیان این است که غیر یهودیان اصلاً قابل اعتماد نیستند. داستان هولوکاست حاوی پیام تحقیر انسانیت است.^۹

تاریخ نشان می‌دهد که هیجان‌ات و تبلیغات زمان جنگ‌ها به طور طبیعی با گذشت زمان از

میان می‌روند؛ اما داستان هولوکاست یک پدیده کاملاً استثنایی است؛ زیرا با گذشت سالها فراگیرتر و عمیق‌تر شده است!

در سالهای اخیر صنعت هولوکاست (یهودی سوزی) به شکل کسب و کار نامشروع و اخاذی آشکار درآمد و با ادعای نمایندگی همه یهودیان جهان، زنده یا مرده، خواهان بازپس‌گیری سرمایه‌های یهودیان دوره یهودی سوزی در سراسر اروپا نیز شده‌اند. نه یک دولت، نه یک بانک و نه شرکت بیمه، هیچ کدام جرأت ندارند در پاسخ به این ادعاها بگویند که موضوع طرح شده، یک افسانه است و پرداخت غرامت جنایاتی که انجام نشده، معنی ندارد!

صهیونیستها موفق شده‌اند با همین ترفند میلیاردها دلار به عنوان غرامت از کشورهای اروپایی دریافت نمایند، تا جایی که برخی مورخان یهودی از آن به «صنعت هولوکاست» یاد می‌کنند.^{۱۰}

امروزه در بسیاری از مدارس غرب این پدیده به عنوان بخشی از عناوین درسی دانش‌آموزان گنجانده شده و «آموزش هولوکاست» در بسیاری از مدارس اجباری است!

بیش از ۲۵۰ موزه برای قربانیان هولوکاست در سراسر جهان بنا شده، که بزرگ‌ترین آنها در نیویورک است و سالانه بیش از سه میلیون نفر از آن بازدید می‌کنند، رهبران سیاسی نیز به طور متوالی در مراسم یادبود هولوکاست حضور می‌یابند.

صهیونیست‌ها پا را از این هم فراتر نهاده و در سال ۲۰۰۵ م با تصویب قطعنامه پیشنهادی در مجمع عمومی سازمان ملل روز ۲۷ ژانویه (۷ بهمن) را به عنوان «روز هولوکاست» نامگذاری کرده‌اند.^{۱۱}

۳. سلاح راهبردی هولوکاست

چرا جریان صهیونیستی در سراسر جهان در برابر هر گونه تشکیک در باره هولوکاست از سوی سیاستمداران، محققان و مورخان جهان، تا این حد واکنش تند از خود نشان می‌دهد؟ و چرا از نگاه صهیونیسم این روایت حتی مقدس‌تر از کتاب‌های مذهبی تورات، تلمود و تائناخ نزد یهودیان شده است؟

به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، در حال حاضر هولوکاست از مهم‌ترین سلاح‌های استراتژیک رژیم صهیونیستی و جنبش صهیونیسم به شمار می‌رود و با رفتار خود نشان داده است که سلاح هولوکاست از سلاح هسته‌ای که در اختیار دارد اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که

سلاح هسته‌ای از دهه پنجاه تا کنون نقش بازدارندگی ایفا کرده، در حالی که سلاح هولوکاست به سلاحی کارآمد و چند منظوره تبدیل شده که تاکنون از آن در ابعاد گوناگون بهره برداری کرده‌اند؛ ایجاد رژیم غاصب صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و توجیه رفتارهای تجاوزگرانه و استعمار طلبانه در برخورد با مردم مظلوم فلسطین، نمونه‌ای از بهره‌برداری صهیونیستها از سلاح راهبردی هولوکاست می‌باشد.^{۱۲}

باج‌گیری رژیم صهیونیستی از کشورهای غربی برای کوچاندن یهودیان به فلسطین اشغالی با ترفندهای مختلف سیاسی، نوع دیگری از بهره‌گیری از سلاح هولوکاست است.

ویلیام دی. روبنشتاین یکی از صهیونیستهای متعصب و استاد دانشگاه ملبورن استرالیا، بعد از انتشار کتابی به نام «افسانه‌های آشویتس» توسط مخالفان هولوکاست، نگرانی خود را چنین اظهار می‌دارد:

«اگر به سایرین نشان داده شود که هولوکاست یک دروغ و نیرنگ است، در آن صورت، اسلحه شماره یک زرادخانه تبلیغاتی اسرائیل خنثی و بی‌اثر می‌شود.»^{۱۳}

ارنست زوندل، یکی دیگر از حامیان هولوکاست می‌گوید:

«هولوکاست به منزله شمشیر و سپر اسرائیل است.»^{۱۴}

۴. ممنوعیت تحقیق

امروزه تقریباً در تمام کشورهای اروپایی به ویژه در آلمان قوانین سختی وجود دارد که ابراز تردید نسبت به آنچه که حقایق جنگ جهانی دوم خوانده می‌شود و انتقاد به اسراییل و صهیونیست را ممنوع می‌کند؛ و متخلفان علاوه بر محرومیت از تمامی حقوق اجتماعی، به زندان و پرداختن جریمه نقدی محکوم می‌شوند.

در فرانسه اشخاصی به دلیل مخالفت رسمی با داستان هولوکاست دستگیر و زندانی گردیده‌اند. در امریکا و سوییس معلمان به دلیل بیان دیدگاههای بدعت‌گذارانه در ارتباط با این مسئله به طور موقت از کار برکنار شده‌اند. در کانادا، امریکا و فرانسه تجدید نظر طلبان هولوکاست به طرز وحشیانه مورد حمله جنایتکاران قرار گرفته‌اند و حتی یک نفر از آنها به خاطر نظراتش به قتل رسیده است.^{۱۵}

ممنوعیت انتقاد و ابراز تردید نسبت به مسئله هولوکاست می‌تواند بهترین دلیل برای مشکوک بودن آن چیزی باشد که «حقایق جنگ جهانی دوم» خوانده می‌شود. چگونه در

سراسر اروپا قوانینی یکسان وجود دارد که چنین انتقادی را شایسته مجازات می‌داند؟ این یکپارچگی در سراسر اروپا چگونه به وجود آمده است؟ تنها پاسخی که برای این پرسش‌ها می‌توان بیان کرد، این است که گروه‌های فشار صهیونیستی که در سراسر جهان پراکنده هستند، عامل به وجود آمدن این یکپارچگی‌اند و هسته مرکزی این گروه‌ها را رسانه‌های غربی تشکیل می‌دهند.

مردم غرب - بخصوص نخبگان سیاسی اجتماعی - مدتی است که خود را در برابر این پرسش صریح مشاهده می‌کنند که چرا موضوع هولوکاست پس از جنگ جهانی دوم به صورت یک «تابو» درآمده و هر نوع تحقیق و اظهار نظر مستقل درباره آن ممنوع و جرم سیاسی محسوب می‌شود؟ امروزه این قضیه، غریبان تحصیل کرده را به این فکر وا داشته که میان ممنوعیت سخن گفتن درباره ادعای هولوکاست توسط صهیونیستها با ادعای کلیسای قرون وسطی درباره «مرکزیت زمین در منظومه شمسی» چه تفاوتی وجود دارد؟!

۵. دروغ بزرگ

در طول جنگ جهانی دوم و چند دهه پس از آن، سازمان‌های صهیونیستی به شدت درگیر داستان‌پردازی و اشاعه آنها پیرامون موضوع هولوکاست، برای برانگیختن احساسات همدردی و حمایت جهانیان به نفع یهود و به خصوص به منظور تشکیل دولت اسراییل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بوده‌اند، تعدادی از محققان و اساتید دانشگاه‌های معتبر جهان نیز این داستانها را تصدیق نموده، باعث شده‌اند که مردم این مطالب غیر واقعی را حقایق غیر قابل تردید فرض کنند، اما با گذشت زمان، غیرمنطقی و غیر قابل اعتماد بودن بسیاری از این داستانها فاش گردیده است.

یکی از شاهدان به ظاهر عینی به نام «آرنولد فریدمان» که در طول دادگاه‌های رسیدگی به جنایات جنگی در نورنبرگ از بازجویی‌های مختلف عبور کرده و شهادت او مبنای بسیاری از ادعاهای صهیونیستها برای اثبات داستان هولوکاست شده بود، در سال ۱۹۸۵م مجبور به اعتراف شد و اظهار داشت:

«هیچ یک از ادعاهای من واقعیت نداشته و هرگز آنچه را مدعی شده‌ام، تجربه نکرده‌ام!»^{۱۶}

«رادولف وریا» یکی دیگر از مشهورترین شاهدان آشویتس است. وقتی از او می‌پرسند آیا

همه آنچه در فیلم معروف «شوآ» گفته، حقیقت دارد؟ می‌گوید:

«من نمی‌دانم، من در آن فیلم یک هنر پیشه بودم و تنها آنچه در متن بود تکرار می‌کردم».^{۱۷} موزه ملی آشویتس در سال ۱۹۹۰م ادعای کشته شدن شش میلیون یهودی را در این اردوگاه پس گرفت و آن را به یک میلیون نفر کاهش داد!^{۱۸}

در سال ۱۹۹۴م یک دانشمند فرانسوی عدد یک میلیون را به ۷۰۰ هزار نفر کاهش داد و در سال ۲۰۰۲ یکی دیگر از تاریخ نگاران حامی هولوکاست میزان کشته شدگان آشویتس را ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرد!^{۱۹}

وینستون چرچیل (نخست‌وزیر زمان جنگ انگلیس) در کتاب ۶ جلدی «جنگ جهانی دوم» خود، هیچ اشاره‌ای به داستان هولوکاست و نسل‌کشی آلمانها علیه یهودیان نکرده است. دوايت آیزنهاور، رئيس جمهور پس از جنگ امريكا در كتاب «جنگ صليبي در اروپا» كه خاطرات و... برداشتهای او از جنگ جهانی دوم است، اشاره‌ای به کشتار یهودیان در اتاقهای گاز نکرده است. آیا کشتار شش میلیون یهودی برای آنها هیچ ارزش و اهمیتی نداشته است؟^{۲۰} کتاب خاطرات دکتر یوهان پل کرمر، پزشک اردوگاه آشویتس نیز گویای این واقعیت است که اصلاً اتاق‌گازی برای کشتن یهودیان وجود نداشته، بلکه آنچه به این نام تبلیغ شده، در واقع اتاقهایی به منظور مبارزه و از بین بردن پشه ناقل بیماری مهلک تیفوس بوده، که مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^{۲۱}

نتایج تحقیق لوئیس مارشالکو، یکی از افسران یهودی ضد اطلاعات امریکا (CIC) در سال ۱۹۴۹م گویای این حقیقت است که اصلاً در اردوگاههای نازی‌ها، صنعت سوزاندن و یا خفه کردن به وسیله گاز وجود نداشته است.^{۲۲}

یکی دیگر از دلایل ساختگی و جعلی بودن داستان هولوکاست آمار جمعیت یهودیان قبل و بعد از جنگ جهانی دوم است. سالنامه‌های امریکا آمار جمعیت یهودیان را قبل و بعد از جنگ اعلام کرده‌اند، که تغییر چندانی در آن مشاهده نمی‌شود.

در کل اروپا در زمان جنگ سه میلیون و یکصد و بیست هزار نفر یهودی ساکن بوده‌اند. چگونه ممکن است دو برابر این جمعیت در طی جنگ کشته شده باشند؟! جالب‌تر این که آمار یهودیان ساکن در آلمان ۶۰۰ هزار نفر بوده که قبل از جنگ به دستور هیتلر ۴۰۰ هزار نفرشان اخراج شده بودند!^{۲۳}

به اعتراف هنریک هملر، مرد شماره دو آلمان نازی و فرمانده ارتش آلمان و رئیس گشتاپو در زمان جنگ جهانی دوم، کوره‌هایی که در اردوگاههای آلمان وجود داشته، برای جلوگیری از

بیماری‌های واگیر دار مانند تیفوس بوده است، تا با سوزاندن اجساد مبتلایان از گسترش این بیماری مهلک و واگیر دار جلوگیری شود.^{۲۴}

واقعیت این است که هولوکاست برای یهودیان دقیقاً نقش تولید هویت را ایفا می‌کند؛ و نقطه شروع مناسبی است، در راستای فرایند «ملت سازی» برای قومی که می‌کوشد با تکیه بر مبانی نژادی، قوام قوم یهود را در پناه آن تضمین نماید.

تلاش گسترده و فوق العاده یهودیان صهیونیست برای توسعه داستان هولوکاست و پناه بردن به آن، برای استمرار جلب حمایت و ترحم جامعه جهانی و نادیده گرفتن تأسیس دولت مبتنی بر آموزه‌های سنتی و نژادپرستانه، می‌باشد.

۶. منتقدان هولوکاست

یک روبر فوریسون (Robert Faurisson): یکی از متفکران شجاع غرب که به حق می‌توان او را طلایه دار افشای اسطوره سازی دروغین یهود بین المللی لقب داد و سالهاست که در غرب، خصوصاً فرانسه حتی نام بردن از او گناهی نابخشودنی است، پروفیسور «روبر فوریسون»، است. وی به رغم بایکوت بی رحمانه خود و آثار و عقایدش، در سالیان اخیر، دامنه پژوهش‌های روشنگرانه‌اش توجه شماری از اندیشمندان شجاع مغرب زمین را به خود جلب کرده است. حتی شخصیت پرآوازه‌ای مانند «روزه گارودی» نیز کتاب معروف و جنجال برانگیز خود موسوم به «اسطوره‌های بنیادگذار سیاست اسرائیلی» را با اتکا و اقتباس از آراء و مستندات گردآوری شده به دست این متفکر نوشته است. معدود دانشوران دلیری که جرأت دوستی با او دارند، به وی لقب «تنهاترین متفکر فرانسه» داده‌اند.

پروفیسور روبر فوریسون در سال ۱۹۲۹ م در فرانسه به دنیا آمد. تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه سوربن پاریس به پایان رساند و از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۹ م استاد دانشگاه لیون فرانسه بوده است.

فوریسون که متخصص و کارشناس عالی رتبه بررسی، ارزیابی و شناخت اسناد و مدارک تاریخی است؛ سالهاست که در سرزمین که خود را مهد آزادی اندیشه و قلم و زادگاه منشور جهانی حقوق بشر و گهواره خردگرایی معرفی می‌کند، رسماً ممنوع القلم گشته است! کتابهای او را در هیچ کتابفروشی نمی‌توان پیدا کرد؛ مقالات مستند و تحقیقی او را هیچ نشریه‌ای چاپ نمی‌کند!

فوریسون پس از سالها مطالعه، بررسی و تحقیق بر روی اسناد جنگ جهانی دوم در مراکز و مؤسسه‌های بزرگ مطالعاتی و پژوهشی، کتابی با عنوان «اتاق‌های گاز، واقعیت یا افسانه» را به رشته تحریر در آورده و به این واقعیت دست یافته است که اتاق‌های کشتار با گاز و قتل عام یهودی‌ها (هولوکاست) دروغ و افسانه‌ای بیش نبوده است؛ که از سوی بعضی مجامع و سازمانهای یهودی و کانونهای صهیونیستی، با اغراض کاملاً سیاسی و بلکه اقتصادی ساخته و پرداخته شده است!

او می‌گوید: «من تا سال ۱۹۶۰ م به واقعیت کشتار بزرگ در «اتاق‌های گاز» مثل خورشید نیمروز اعتقاد داشتم؛ پس از چهارده سال تفکر شخصی و آنگاه چهار سال تحقیق خستگی‌ناپذیر همانند بسیاری از نویسندگان طرفدار تجدید نظر تاریخی، اطمینان یافتم که با یک دروغ تاریخی مواجه هستم.»^{۲۵}

ایشان می‌افزاید: «من معتقدم که در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال اروپا توسط آلمانها، یهودیان اروپایی متحمل فجایع و مصائب زیادی شده بودند. من باور دارم که اردوگاههای جنگی وجود داشته و می‌دانم که در آن اردوگاهها، کوره‌هایی جهت سوزاندن اجساد مردگان وجود داشته است که امری طبیعی است؛ بخصوص در آن مقطعی که بیماری‌های واگیردار از قبیل «تیفوس» وجود داشته و لازم بوده که برای اجتناب از شیوع بیماری، اجساد مردگان سوزانده شود. این دقیقاً همان مورد بود که در معروف‌ترین اردوگاهها یعنی «آشویتس» اجرا می‌شد.

در این اردوگاه به علت وجود سفره‌های آبی در زیرزمین امکان حفر زمین و دفن اجساد در آن نبود من دلایل جدی و متعددی دارم که اتاقهای گاز و کوره‌های آدم سوزی برای یهودی‌کشی به صورتی که یهودیان مطرح می‌کنند، وجود خارجی نداشته است.^{۲۶}

فوریسون به عکسهای ساختگی از اتاقهای گاز مورد ادعای صهیونیستها اشاره کرده و ضمن رد این ادعا می‌پرسد:

اگر این عکسها واقعی است، چگونه سربازان آلمانی بدون ماسک و بی آنکه کمترین پوششی بر دهان، بینی و چشم خود داشته باشند، در اتاقهای مالا مال از گازهای کشنده ایستاده و بر جان‌کندن یهودیان محکوم به مرگ نظارت می‌کنند؟!

فوریسون درباره فقدان هر گونه شاهد و سند در اثبات وجود اتاقهای گاز می‌گوید: در مورد «اتاق‌های گاز» در مجاورت «کوره‌ها»، نه دستور ساخت، نه مطالعه، نه سفارش، نه صورت

هزینه، و حتی یک عکس وجود ندارد؛ در صدها محاکمه (اورشلیم، فرانکفورت و...) هیچ سندی در این باره ارائه نشده است. «من در آشویتس بودم، در آنجا هیچ اتاق گازی وجود نداشت.»^{۲۷}

این پژوهشگر غربی در خصوص بازدیدهای مکرر خود از اردوگاههای آژاس، فرانسه و لهستان و اسناد موجود در مرکز اطلاع رسانی معاصر یهود در پاریس می‌گوید: «آرشیوها، دست‌نویس‌ها، عکس‌ها، شهادت‌های کتبی و هزاران سند دیگر را مطالعه کردم. برای یافتن پاسخ، بی‌وقفه از متخصصین و تاریخدانان پرسش کردم. سالها، اما بیهوده، به دنبال فقط یک بازمانده از بازماندگان جنگ بودم که به چشم خود «اتاق‌های گاز» را دیده باشد؛ به ویژه به کثرت مدارک ادعایی در این مورد اهمیتی نمی‌گذاشتم. حتی به یک مدرک، فقط یک مدرک راضی بودم؛ اما همین یک مدرک را هم نیافتم! در مقابل، آنچه یافتم، تعداد بی‌شماری مدارک مجعول و ساختگی بود شایسته محاکمه جادوگران و مایه شرمساری برای قضاتی که آنها را پذیرفته‌اند. پس از آن با سکوت، مزاحمت، دشمنی و بالاخره افترا، توهین، محاکمه و ضرب و جرح مواجه شدم.

با این حال، در مقابل کسانی که شیوه سرکوب پیش گرفته‌اند، اغماض نخواهم کرد و با تمام توان از حقیقت دفاع می‌کنم؛ هر اندازه که برایم گران تمام شود!^{۲۸}

ب. **روژه گارودی (Roger Garaudy)**: فیلسوف مشهور فرانسوی که پس از انقلاب اسلامی ایران مسلمان شد، از جمله اندیشمندان مطرح جهان است. او نه یک افراط‌گرای مذهبی، بلکه روشنفکری است که با هرگونه تندروی مخالف است. تحقیق علمی او در مورد صهیونیسم سیاسی، ابعاد چندین افسانه مورد ادعای صهیونیستها را مورد کنکاش قرار می‌دهد. اما تنها به آن دلیل که ابعاد مورد ادعای یهودیان در مورد هولوکاست را مورد تردید قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که حتی در صورت صحت نمی‌تواند توجیه‌گر ظلم و جنایت علیه یک ملت دیگر در فلسطین باشد، به برآشتگی صهیونیستها انجامید و در نهایت به دادگاه کشیده شد تا محاکمه و محکوم شود.

به موجب تحقیقات این اندیشمند مسلمان، در دوران جنگ جهانی دوم به هیچ وجه شش میلیون یهودی کشته نشده‌اند!

روژه گارودی می‌نویسد:

«صهیونیستها با افسانه عجیب و خرافی «هولوکاست» نه تنها موجودیت کشور اسرائیل را

در سرزمین دزدیده شده اعراب مشروع جلوه داده‌اند، بلکه هر نوع باج‌گیری سیاسی رهبران آن را هم مشروع نشان می‌دهند.»^{۲۹} او می‌افزاید:

«کشتار یهودیان را «هولوکاست» نامیدن، فقط مجرد کردن یهودیان از مجموعه قربانیان هیتلریسم (شصت میلیون کشته) و پوشاندن چهره حقیقی دستگاه هیتلری نیست، بلکه ایجاد این باور است که، این کشتار فقط متعلق و مربوط به تاریخ یهود است، و جدا کردن این جنایت از تاریخ اروپاست؛ بدین معنی که سبب فراموش شدن این نکته می‌شود که جنایات امپریالیسم نازی، علیه یهودیان و بسیاری دیگر، ادامه جنایات تمام امپریالیسم غرب - از زمان براندازی نسل دهها میلیون سرخپوست امریکایی یا قتل عام بیش از صد میلیون سیاه آفریقایی برای دستیابی به انتقال ده میلیون برده به آمریکا - است.

کشتار نژادی اعمال شده به وسیله هیتلر علیه یهودیان نه اولین جنایت امپریالیسم است و نه حتی موردی که بیشترین قربانی را داده؛ و تجزیه کردن یهودیان در یک «هولوکاست» که «استثنایی» باشد، در واقع مخفی کردن علل عمیق این نژادکشی و مانع شدن از شرکت یهودیان به همراه تمام دیگر قربانیان این جنایات در مبارزه با ریشه‌های امپریالیسم است. جدا کردن یهودیان از قربانیان هیتلر، همانا تجزیه اسرائیل از تاریخ جهان و بخصوص بریدن آن از دنیای سوم است.» او می‌افزاید:

«یهودی‌کشی که نازی‌ها مرتکب شده‌اند به تاریخ اروپا و به نازی‌ها مربوط است. ادعای جبران این جنایات به زبان اعراب که از این قضیه برکنار بوده‌اند، اقدامی کاملاً استعمارگرانه است!»^{۳۰}

ج. دیوید ایروینگ (David Irving): یکی دیگر از مهم‌ترین هواداران مکتب تاریخ‌نگاری واقعی و منتقدان هولوکاست «دیوید ایروینگ» انگلیسی است. وی مورخ بسیار معتبری است، تا آنجا که برخی نشریات سرشناس انگلیسی نوشته‌اند هیچ‌کس نمی‌تواند درباره جنگ جهانی دوم تحقیق کند و ایروینگ را نادیده بگیرد!

او اولین کسی است که خاطرات ۷۵۰۰۰ صفحه‌ای گوبلز را به دست آورد و روی آن کار کرد. این خاطرات به مدت ۵۰ سال برای مورخین ناشناخته بود و در آرشیوهای سرّی ارتش سرخ شوروی سابق نگهداری می‌شد.^{۳۱}

ایروینگ پس از یک دوره کار شش ساله بر روی اسناد شوروی، اولین بیوگرافی کاملاً مستند هیتلر را با نام «جنگ هیتلر» منتشر کرد که جنجال فراوانی برپا نمود و کار او را به دادگاه کشانید.

ایروینگ در این کتاب مدعی است که اصولاً در دوران جنگ هیچ نوع کشتار یهودیان (هولوکاست) در کار نبوده است. او نشان داده که مهم‌ترین اسناد جنگ دوم جهانی به طور مرموزی مفقود شده‌اند. بسیاری از یادداشت‌های روزانه سران آلمان و ایتالیا که تا مدتی پیش در آرشیوهای شوروی سابق و آلمان و سایر کشورهای اروپایی موجود بود، به سرقت رفته و پنهان یا معدوم شده است.^{۳۲}

ایروینگ به یادداشت‌های روزانه موسولینی اشاره می‌کند که زمانی موجود بود و اکنون مفقود شده، و می‌گوید: اولاً در آشویتس و سایر اردوگاه‌های نازی اتاق گاز وجود نداشته؛ ثانیاً هیتلر هیچ اطلاعی از وجود اتاق گاز و برنامه سازمان یافته برای کشتار یهودیان نداشته است. ثالثاً، یک توطئه جهانی وجود دارد که به مؤرخین اجازه تحقیق بی‌طرفانه و به دور از پیش‌داوری در زمینه هولوکاست را نمی‌دهد. رابعاً، رقم شش میلیون کشته یهودی در جنگ دوم جهانی صحت ندارد و تعداد کشته شدگان یهودی کمتر از یک میلیون نفر است که بر اثر بیماری یا در جریان جنگ، مانند دیگران کشته شده‌اند، نه بر اثر طرح سازمان یافته قتل عام دسته جمعی؛ (ایروینگ برای کسی که بتواند ثابت کند هیتلر از هولوکاست مطلع بوده، جایزه‌ای به مبلغ ۱۰۰۰ پوند تعیین کرده است).^{۳۳}

د. واتیکان

علاوه بر شخصیت‌های مختلفی که سوزانده شدن و یا قتل عام یهودیان را مورد تردید قرار داده‌اند، واتیکان نیز، در بیانیه‌ای اعلام کرده است که از کوره‌های آدم سوزی بی‌خبر است.

۷. دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی «حمایت از انتفاضه فلسطین» که در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۴ در تهران برگزار شد، بیانات مهمی ایراد فرمودند که بخشی از آن چنین بود: «اشغال این سرزمین بر اساس یک طرح چند جانبه، پیچیده و با هدف جلوگیری از اتحاد و پیوستگی مسلمانان و پیش‌گیری از تأسیس مجدد حکومت‌های قدرتمند مسلمان بود. دلایلی در دست است که نشان می‌دهد صهیونیستها با نازی‌های آلمان روابط نزدیک داشتند و ارائه آمارهای اغراق‌آمیز از کشتار یهودیان، خود وسیله‌ای برای جلب ترحم افکار عمومی و زمینه سازی برای اشغال فلسطین و توجیه جنایات صهیونیستها بوده است. حتی دلایلی در دست است که عده‌ای ارادل و اوباش غیر یهودی شرق اروپا را به نام یهودی به فلسطین کوچانیدند تا با

بوشش حمایت از بازماندگان قربانیان نژادپرستی، یک حکومت معاند اسلام را در قلب جهان اسلام نصب کنند و پس از سیزده قرن، یک گسستگی بین مشرق و مغرب اسلامی ایجاد نمایند.»^{۳۴}

۸. مواضع ریاست جمهوری ایران

شجاعت رئیس جمهور کشورمان در اعلام دروغ‌پردازی‌های صهیونیسم بین الملل در مورد هولوکاست، خرسندی کارشناسان منصف را در کنار توده‌های مردم تحت ستم در پی داشت و موجب وارد شدن شوک به دولتهای اروپایی شد. این نگاه برخاسته از یک تحلیل کاملاً علمی و تاریخی می‌باشد؛ زیرا کمتر سیاستمدار هوشیاری است که به آرزوی بزرگ صهیونیستها برای تسلط بر جهان و حاکمیت سراسری اذعان نکند.

رویگرد آقای احمدی نژاد در خصوص رژیم جعلی اسرائیل واکنشی وسیع یافت. طرح این اظهارات که «جهانی بدون صهیونیسم» را با «محو این رژیم جعلی» می‌توان متصور شد و نیز تردید در وقوع «افسانه هولوکاست» و پیشنهاد «انتقال دولت مطلوب یهودیان به اروپا» بیش از آنکه انتظار می‌رفت بازتاب یافت.

شگفت آنکه حجم واکنش‌های برخی رسانه‌های غربی به این مواضع، بیش از حجم واکنش‌های رسانه‌های رسمی دولت صهیونیستی بود؛ گویا رژیم‌های غربی که رژیم صهیونیستی را خلق کرده‌اند، خود بیش از رسانه این رژیم نگران حفظ آن هستند و تلاش دارند رسم مادری و پاسداشت این دولت جعلی را به عمل آورند؛ که نشان می‌دهد تحریک‌پذیری غرب در حوزه مربوط به صهیونیست‌ها بسیار بالاست و رئیس جمهور کشورمان در این نقطه به آستانه تحریک غرب بسیار نزدیک شد.

به تعبیر افسانه‌های یونانی، «صهیونیسم» پاشنه آشیل - برای غرب است و با کوچک‌ترین چالش آفرینی برای آنها، تمامیت غرب با چالش مواجه می‌شود. تفاوتی نمی‌کند که ما غرب را تحت نفوذ لابی صهیونیسم بدانیم و یا دولت جعلی اسرائیل را مولود غرب. هم این دولت دروازه ورود غرب به مشرق زمین، خاور میانه و جهان اسلام است و هم دولتهای غربی تحت نفوذ صهیونیسم هستند.^{۳۵}

بسیار به جا خواهد بود که دولت جمهوری اسلامی ایران کنفرانس‌هایی در خصوص هولوکاست برگزار نماید و به مورخین سراسر جهان اجازه و فرصت داده شود تا این مسئله را که اظهارات رییس جمهوری ایران به لحاظ تاریخی درست بود بیش از پیش اثبات کنند.

نتیجه

۱. هولوکاست جریان خیالی اما بسیار حساب شده بود که صهیونیستها به وجود آوردند تا اهداف خود را به بیش ببرند و قانونی جهانی را برای این موضوع وضع کردند که هر کس در صحت این جریان ساختگی تردید کند، مجازات گردد.

۲. اصول و مبانی هولوکاست صرفاً تاریخی نیست، بلکه دارای جنبه‌های سیاسی و اقتصادی نیز می‌باشد؛ زیرا از زمان تصویب و امضای توافقنامه «پرداخت غرامت‌های جنگی»، مالیات دهندگان آلمانی مبالغ نجومی به جمعیت یهودی ساکن در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، پرداخت کرده‌اند.

۳. آنچه که دولتهای اروپا و امریکا با ادعای هولوکاست و فرضیه کوره‌های آدم سوزی هیتلر مطرح کرده و در عین حال هر دانشمند و محقق مستقل را از ارائه دیدگاه خود محروم و ممنوع می‌کند، کاملاً تکرار شیوه‌های ضد علمی و خیالبافی قرون وسطایی است.

۴. صهیونیسم جهانی برای تثبیت هولوکاست اهمیت سیاسی فوق العاده‌ای قائل است و دقیقاً از همین رو تنها نویسندگانی برنده جایزه نوبل می‌شوند که ارادتی خالصانه و صادقانه نسبت به صهیونیسم و ماجرای دروغین قتل عام شش میلیون یهودی، ابراز داشته باشند.

۵. افسانه خرافی هولوکاست بهانه‌ای از سوی صهیونیستها برای بیرون راندن فلسطینیان از سرزمین فلسطین است، در حالی که آنان هیچ سهمی در جنایات هیتلر نسبت به یهودیان نداشته‌اند.

۶. در امریکا، به ظاهر آزادی بیان برای هر شهروندی که بخواهد به شکل منطقی و مستدل نظر خود را بیان کند تضمین شده است؛ اما هولوکاست از این قاعده مستثنی است و شهروندان امریکایی در صورت مخالفت با افسانه‌های لابی قدرتمند یهودی صهیونیستی با از دست دادن شهرت و موقعیت اجتماعی و شغل خود بهای گزافی خواهند پرداخت و چه بسا به مجازات مرگ گرفتار شوند.

۷. صهیونیستها تاکنون حتی یک سند برای اثبات ادعاهایشان ارائه نکرده‌اند و این در حالی است که در امریکا برای فرضیه خیالی نابودی یهودیان در اتاقهای گاز هفت موزه بزرگ یهودی سوزی احداث شده است!

۸. تاکنون هیچ کنفرانسی در جهان برای آشکار شدن ابعاد هولوکاست به عنوان یک دروغ بزرگ صهیونیستی و یک دروغ تاریخی خشک و بی‌روح برگزار نشده است و جا دارد پس از

اظهارات شجاعانه رييس جمهور محترم كشورمان، دولت جمهوري اسلامي كنفرانس هايي در اين خصوص برگزار نمايد تا مورخين، تحليلگران و روشنفكران جهان با تشریح نتایج تحقیقات خود، دروغ بودن این ادعای صهیونیستی را برای جهانیان اثبات نمایند.

پی‌نوشتها:

۱. مجید صفا تاج، «اسطوره نخ‌نما شده صهیونیسم»، همشهری دیپلماتیک ۸۴/۱۰/۲۴، ص ۸.
۲. همان.
۳. محمدعلی احمدنیا، «هولوکاست، از یمن تا یک دروغ بزرگ»، جام جم، ۸۴/۱۰/۲۸، ص ۱۰.
۴. هفته نامه صبح صادق، ۸۴/۱۰/۱۹، ص ۱۰.
۵. صفا تاج، همان.
۶. مارک وبر، «حق السکوت هولوکاستی»، ترجمه، محمد تراهی، منشور، ضمیمه هفتگی روزنامه رسالت، ۱۰/۲۵، ص ۸۴/۸.
۷. کیهان، ۸۴/۹/۲۲.
۸. رسالت، ۸۴/۱۰/۲۴.
۹. نورمن، فینکلشتاین، صنعت یهودی سوزی، ترجمه، سوسن سلیم زاده، (بی‌تا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ص ۶۹.
۱۰. همان، ص ۸۰.
۱۱. همان، ص ۹۵.
۱۲. صفا تاج، همان، ص ۹.
۱۳. حسین رویوران، «مهمترین سلاح راهبردی اسرائیل»، همشهری دیپلماتیک، ۸۴/۱۰/۲۴.
۱۴. همان.
۱۵. مارک، وبر، اعتبار از دست رفته هولوکاست، سایت مؤسسه بازنگری تاریخی (www.ihr.com).
۱۶. گروهی از تجدیدنظر طلبان تاریخی آمریکا، «بحثی آزاد در مورد هولوکاست»، ماهنامه سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، شماره ۳۷، مرداد ۱۴۸۵، ص ۸۲.
۱۷. همان، ص ۸۴.
۱۸. همان، ص ۸۵.
۱۹. مارک، وبر، همان.
۲۰. پیشین، ص ۸۶.
۲۱. صفا تاج، همان.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. نورمن، فینکلشتاین، همان، ص ۹۶.
۲۵. روبرفورسون، اتاق‌های گاز در جنگ جهانی دوم، ترجمه ابولفرید ضیاء الدینی، (مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۸۱)، ص ۷.
۲۶. همان، ص ۳۰.
۲۷. همان، ص ۴۷.

۲۸. همان، ص ۶۷
۲۹. هفته نامه صبح صادق، ۸۴/۱۰/۱۹
۳۰. مارک وبر، پیشین.
۳۱. همشهری دیپلماتیک، همان، ص ۱۴.
۳۲. مسعود نوربخش، «پسا صهیونیسم در بن بست»، رسالت، ۸۴/۱۰/۲۵
۳۳. همان.
۳۴. بخشی از بیانات معظم له در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰/۲/۴.
۳۵. هفته نامه صبح صادق، همان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی